

مقایسه مسأله انتظار از دیدگاه رهبری با

نظریه فوکویاما

مریم مولایی^۱

چکیده:

اعتقاد داشتن به برقراری دولت موعود از جمله اعتقاداتی است که در بین سایر ادیان آسمانی نیز وجود داشته است. دین اسلام هم به این مسأله توجه ویژه داشته، به گونه‌ای که تحقق این را یکی از اصول اساسی پایه‌های تشیع می‌داند. حقیقت این است که شیعیان وقتی منتظر مهدی موعودند، یک واقعیتی را جستجو می‌کنند که این واقعیت وجود دارد. حجت خدا در بین مردم زنده است؛ موجود است؛ با مردم زندگی می‌کند؛ مردم را می‌بیند؛ با آنها است؛ دردهای آنها، آلام آنها را حس می‌کند. انسان‌ها هم، آنهایی که سعادت‌مند باشند، ظرفیت داشته باشند، در مواقعی به طور ناشناس او را زیارت می‌کنند. او وجود دارد؛ یک انسان واقعی، مشخص، با نام معین، با پدر و مادر مشخص و در میان مردم است و با آنها زندگی می‌کند. این، خصوصیت عقیده‌ی ما شیعیان است. غرض ورزان دریافته‌اند که برای رسیدن به اهداف خود باید این اعتقادات را در شیعیان سست کنند بدین ترتیب مطرح شدن شبهات گوناگونی را از آنها شاهدیم. اما هیچ‌وقت نتوانستند دلیلی که عقل‌پسند باشد بر رد این فکر و این واقعیت، اقامه کنند. مهم‌ترین مبحث پیرامون مهدویت عبارتند از: انتظار، وظایف منتظران، رجعت. و انتظار به این معناست که نباید دست روی دست گذاشت بلکه بدین معناست که باید اقدام و حرکت علمی کرد. تا دشمنانی که با مسأله مهدویت کنار نمی‌آیند کنار گذاشته شوند.

کلید واژه‌ها: ارتباط، انتظار، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، غیبت، مهدویت.

^۱ - سطح دو، حوزه علمیه معصومیه (سلام الله علیها) - شیراز.

مقدمه

دوران غیبت در فرهنگ تشیع به عنوان عصر انتظار نامیده شده است. در این دوران شیعیان معتقدند حجت خدا امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) زنده است. این عصر به دلیل شرایط استثنایی ناشی از عدم دسترسی مردم به رهبری معصوم دشواری‌ها و اقتضائات خاص خود را دارد. بنابراین در این دوران وظایف منتظران از مهم ترین مسائل در دوران غیبت است. برای این که وظیفه منتظران مشخص شود بایستی ابتدا با مفهوم انتظار آشنا شد تا خصوصیات این دوران معلوم گردد. به رغم روشن بودن معنای انتظار، تعبیر و برداشت‌های مختلفی از این کلمه ارائه شده است. برخی انتظار را سازنده و راهی برای امید به آینده می‌دانند که در آموزه‌های دینی بسیار بیان شده است اما در مقابل عده‌ای هم بر اساس تفاسیر نادرست انتظار را بیان می‌کنند که ما توان اصلاح نداریم. به همین جهت در این راستا بایستی از منابع معتبر در جهت شناخت دوران انتظار بهره گرفت که بهترین منبع در عصر حاضر سخنان رهبری است که در این مقاله در صدد برآمدیم سخنان رهبری را با یکی از پژوهشگران ژاپنی الاصل آقای فوکویاما مقایسه کنیم.

۱- مفهوم شناسی

الف- امام زمان

امام زمان در لغت:

به معنای پیشوا و مقتدا است. (آصفی، بی‌تا، ص ۲۹).

امام زمان در اصطلاح:

امام در اصطلاح شیعه امامیه، یعنی کسی که پیشوا و مقتدای عالمیان در امور ظاهریه، باطنیه، اجتماعی و معنویه روحانیه، ملکیه و ملکوتیه است و خداوند به وی در اثر اختیار عالی و اراده انتخابیه آن پیشوا در جمیع امور چنین مصونیت و عصمتی را موهبت فرموده است. این امامان منحصر در دوازده تن هستند، اول آن‌ها حضرت علی (علیه السلام) و آخرین آن‌ها مهدی منتظر (عج الله تعالی فرجه الشریف) است. بنابر عقیده شیعیان پس از غیبت کبری آن حضرت حی و زنده است و ولایت امور معنوی و ملکوتی عوالم در دست اوست اما به واسطه غضب خلافت و امامت، وی فعلا در پرده غیب نهان است تا ظهور کند و متصدین و مباشرین سلطنت و امارت باطله بر مردم را کنار زند و خود او بر اساس طهارت سریه و عصمت الهیه و ولایت کبرای حقه حقیقیه، بر مردم حکومت کند. (جمعی از محققین مرکز مهدویت، جلد ۱، ۱۳۸۹، ص ۳۵).

ب- انتظار

انتظار در لغت:

مصدر باب افتعال در ماده نظر است. به معنای چشم به راه بودن، دیده‌بانی، درنگ در امور و نوعی امید بستن به آینده است. (زمانی، اندیشه انتظار، ص ۳۳)

انتظار در اصطلاح:

کیفیتی روحی است که موجب به وجود آمدن حالت آمادگی انسان‌ها برای آن‌چه انتظار دارند، می‌شود و ضد آن یأس و ناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر باشد، تحرک و پویایی انسان و در نتیجه آمادگی اش نیز بیشتر خواهد بود. (گلپایگانی، ۱۳۹۸، ص ۴۷)

آموزه انتظار باوری فراگیر بوده و ادیان غیر توحیدی نیز بر آن معتقد بوده‌اند برای نمونه در کتاب‌های قدیم چینیان، بومیان آمریکایی و غیره نیز چنین باوری به چشم می‌خورد. (طبسی، ۱۳۹۰، ص ۲۷)

ج- غیبت

تعریف لغوی:

مصدر است. یعنی پنهان شدن خورشید و غیر آن، وقتی که از چشم پوشیده شود. غاب غنی کذا: از دیده ام پنهان شد. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص ۷۳۱).
الْغَيْبُ جِ غِيَابٍ وَ غَيْبٌ: شک و تردید، هر چیز پنهان که به چشم نیاید و پوشیده باشد، راز، زمین گود و پست. عَالَمُ الْغَيْبِ: جهان ناپیدا، جهان غیب که انسان نمی‌تواند آن را بشناسد مگر به واسطه پیامبران. (معلوف، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷۵).
تعریف اصطلاحی:

غیبت به معنای پنهان شدن از دیدگان است و غایب به کسی گفته می‌شود که حاضر و ظاهر نیست و در اصل درباره ی پنهان شدن خورشید، ماه و ستارگان به کار می‌رود. و همچنین درباره کسی به کار می‌رود که مدتی در جایی حضور دارد و پس از آن از دیدگان رفته و دیگر دیده نمی‌شود. (طریحی، ۱۴۲۸ه.ق، ص ۳۷۹).

۲- معرفی اجمالی زندگی امام زمان (عج الله تعالی)

آخرین امام شیعیان بودند و دوازدهمین جانشین رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق در سامراء، یکی از شهرهای عراق دیده به جهان گشود. پدر گرامی او، امام حسن عسکری پیشوای یازدهم شیعیان و مادر بزرگوار آن حضرت، بانویی شایسته به نام «نرجس» بود. نام و کینه‌ی امام زمان (عج الله تعالی) همان نام و هم کینه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است. در برخی روایات، از بردن نام آن حضرت تا زمان ظهور، نهی شده است. لقب‌های مشهور ایشان عبارتند از: مهدی، قائم، منتظر، بقیه الله، حجت، خلف صالح، منصور، صاحب الامر، صاحب الزمان و ولی عصر که معروف ترین آن‌ها «مهدی» است. از ویژگی‌های مهم امام مهدی (عج الله تعالی) غیبت آن حضرت از مردم است. در روایات فراوان، همه‌ی پیشوایان معصوم (علیهم السلام) از آن خبر داده اند از جمله خبرهای غیبی معصومان (علیهم السلام) است که به وقوع پیوسته. (بالادستیان و دیگران، ۱۳۹۱، صص ۴۶-۴۲).

از جمله این روایات به نمونه زیر است:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مهدی از فرزندان من است برای او غیبت و حیرتی خواهد بود که مردم در آن گمراه می‌شوند. (صدوق، ۱۳۸۴، ص ۱۴۳)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: همانا غیبت در ششمین نفر از فرزندانم رخ خواهد داد. او دوازدهمین نفر از امامان هدایت پس از رسول خداست که اولین آن‌ها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) و آخرین آن‌ها قیام کننده ی به حق، بقیه الله در روی زمین است. (مجلسی، ج ۵۱، بی تا، ص ۱۴۵).

۳- فلسفه غیبت امام زمان (عج الله تعالی)

طبق باور ما، خداوند متعال هیچ کاری را جز بر اساس حکمت و مصلحت، انجام نمی دهد، خواه ما آن حکمت‌ها را بشناسیم یا نه. غیبت امام مهدی (عج الله تعالی) یکی از پدیده‌هایی است که با اراده و تدبیر او رخ داده است؛ پس حتما دارای حکمت و مصلحتی مهم و قابل توجه است که حتی اگر ندانیم، به آن باور داریم. و بر اساس روایت این امر، سری از اسرار و حکمت‌های الهی است که جز در زمان حضور، آشکار نخواهد شد. که به اختصار به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

الف- سری از اسرار الهی

مرحوم شیخ طوسی (رحمة الله علیه) در بیان فلسفه و حکمت غیبت می‌فرماید:

«وقتی که امامت حضرت حجت (عج الله تعالی) ثابت شد و متوجه شدیم که از چشم ها پنهان است، اجمالاً آگاه می شویم که حضرت با وجود مقام عصمت و تعیین امامت در وجود مبارکشان غایب نشده اند مگر به دلیل سببی که موجب لزوم غیبت شده است، اگر چه جزئیات این سبب فهمیده نشود. این موضوع که سبب غیبت را به تفصیل نمی دانیم، مانند مریضی اطفال و حیوانات و یا فلسفه خلق حیوانات موذی و صورت های کریه و زشت و یا مثل آیات متشابه قرآن کریم است که هرگاه از دلیل و وجه این ها بپرسند، می گوئیم: وقتی می دانیم که خداوند تبارک و تعالی، حکیم است و عملی که مطابق حکمت نباشد انجام نمی دهد، می فهمیم که برای این امور هم حکمتی وجود دارد، اگرچه جزئیات آن ها را ندانیم. همین حرف را در مورد صاحب الزمان (عج الله تعالی) می زنیم. ما می دانیم که پنهان شدن حضرت برای حکمتی است که مجوز غیبت شده است اگرچه مفصلاً نمی دانیم...» (طوسی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۳).

ب- حفظ جان امام

از جمله عللی که یقیناً سبب غیبت امام (عج الله تعالی) شده، ترس حضرت برای حفظ جانشان بود. زیرا حفظ جان امام بر همه حتی بر خود ایشان هم واجب است؛ چرا که واسطه ی فیض الهی است، پس نه به خاطر خودشان که به خاطر حفظ مصالح کلی دین، جانشان باید حفظ شود و این که ستمگران با ایجاد رعب و وحشت ایشان را از تصرف در آن چه که خداوند تدبیر و تصرف و آن را برای او قرار داده بود منع کردند و اجازه انجام وظایف امامت را به ایشان ندادند. بنابراین وقتی که بین حضرت و مقصود و هدفش، یعنی انجام مأموریت، امامت، حائل شدند، وظیفه قیام به امر امام هم از ایشان ساقط شد و وقتی که بر جان خودش ترسید، غیبتش واجب شد. درست مثل پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که گاهی در شعب ابی طالب و گاهی در غار ثور که دلیلش هم فقط ترس از آزار رسیدن به جان آن حضرت بود، مخفی شدند. (طوسی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۴).

ج- بیعت نکردن با ستمکاران

یکی از فوائد و حکمتی که برای غیبت آن حضرت در روایات نقل شده، موضوع محفوظ ماندن از معاهده و بیعت، با ستمکاران است چون زمان ظهور حضرت، بیعت احدی بر عهده ی او نیست و او با احدی پیمان عدم تعرض نبسته است تا در حین قیام نتواند علیه آن شخص قیام کند و یا گفته شود که آن حضرت پیمان شکسته است. حسن بن فضال می گوید: علی بن موسی الرضا (علیه السلام) فرمود: «گویا شیعیانم را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزند امام عسکری (علیه السلام) در جستجوی امام خود همه جا را می گردند، اما او را نمی یابند، عرض کردم برای چه یابن رسول الله؟ فرمود: برای این که امامشان غایب می شود، عرض کردم چرا غایب می شود؟ فرمود برای این که وقتی با شمشیر قیام کرد، بیعت احدی در گردنش نباشد.»

حضرت صاحب الامر در ضمن توفیقی که در پاسخ به سؤالات اسحق بن یعقوب صادر کرده است، چنین فرمود: «هیچ یک از پدران من نبودند، مگر آن که بیعتی از طاغوت زمان خود در گردن داشتند، ولی من وقتی قیام می‌کنم بیعت احدی از طاغوت های زمانه در گردنم نیست.» (طاهری، ۱۳۸۰، ص ۹۰)

د- قدرشناسی

انسان عموماً نهادش بر این استوار است که تا هنگامی که به فراق چیزی مبتلا نشود، آن را ارج نمی‌نهد. وقتی امت، قدر پیامبر و امام را نشناسند و وظایف خود را در برابر او انجام ندهند بلکه او امر او را نافرمانی کنند، رواست که خداوند پیشوای ایشان را از آن ها جدا کند تا به خود آینده و روزگار غیبت او، قدر و ارزش وجود او را دریابند. در این صورت غیبت امام به مصلحت امت است گرچه آن ها ندانند. امام باقر (علیه السلام) فرمود: «وقتی خداوند همراهی و همنشینی ما را برای قومی خوش ندارد ما را از میان آن ها می‌گیرد.» (بالادستیان و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰)

۴- حقیقت انتظار و جایگاه آن

انتظار ظهور امام مهدی (عج الله تعالی) یا به تعبیر دیگر انتظار فرج آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در آموزه‌های دین اسلام از اهمیت و جایگاه بسزایی برخوردار است، اما این مفهوم خود مصداقی از مفهوم عام «انتظار فرج» یا امید به آینده است که در روایات اسلامی بر آن تاکید فراوانی شده است. مکتب اسلام با هدف زنده نگه داشتن روحیه تلاش و پشتکار در فرد و جامعه اسلامی بر امیدواری نسبت به آینده و انتظار فرا رسیدن گشایش از سوی خدا سفارش بسیاری کرده و مؤمنان را از هرگونه یاس و ناامیدی برحذر داشته است. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵)

انتظار به معنای امید به آینده سعادت آفرین است که همگان در آن، از مفاسد و ناحقی‌ها نجات یابند و نیز به معنای چشم به راه بودن برای تحقق عدل و برقراری نظام عدل الهی است. اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن اصل حرمت یأس از روح الله است. انتظار یعنی لحظه به لحظه، آن به آن، ثانیه به ثانیه چشم به راه باشیم. انتظار به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتر تلاش می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۸۵)

انتظار، داشتن توقع خاص از زمان است؛ انتظار یعنی درست درآمدن کارها از محاسبات. انتظار در مکتب شیعه علاوه بر امید به آینده، چشم به راه رویدادی بزرگ و تحولی عمیق بودن است. چرا که طی شدن فاصله میان غیبت و ظهور پدیده‌ای عادی نیست، بلکه حادثه‌ای به وسعت تاریخ بشر است. (شرفی، ۱۳۸۲، ص ۵۲).

طبق بیانات مقام معظم رهبری انتظار یعنی:

« یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان (علیه السلام) برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن، و این انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه‌ها» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴).

بنابراین موضوع پایان تاریخ که از آموزه‌های ادیان و مذاهب مختلف، از جمله تشیع اثنی عشری است، در دوران معاصر نیز مورد توجه ویژه اندیشمندان مغرب زمین قرار گرفته است فوکویاما از نظریه پردازانی است که اندیشه‌های او در این زمینه آوازه یافته است. وی بیان می‌کند که:

«شیعه پرنده ای است که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست، پرنده ای است که دو بال دارد. یک بال سبز و یک بال سرخ، بال سبز این پرنده همان مهدویت و عدالت خواهی اوست، چون شیعه در انتظار عدالت به سر می برد، امیدوار است و انسان امیدوار هم شکست ناپذیر است و نمی توانید کسی را تسخیر کنید که مدعی است فردی خواهد آمد که در اوج ظلم و جور، دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد.»

بر اساس نظریه فوکویاما بال سبز شیعه همان فلسفه انتظار یا عدالت خواهی است. او می‌گوید: «بال سرخ شیعه، شهادت طلبی است که ریشه در کربلا دارد و شیعه را فنا ناپذیر کرده است» (<http://www.shabestan.ir>)

الف – جایگاه انتظار موعود از نظرگاه مقام معظم رهبری و فوکویاما

از دیدگاه مقام معظم رهبری، موضوع انتظار دارای قابلیت‌های فراوانی است که ملت‌ها باید از آن به بهترین نحو استفاده کنند. از نظر ایشان مهمترین پیامد انتظار، امید است که در پی آن مبارزه و مجاهدت و عدم تسلیم در برابر دشمنان است. بدیهی است چنین انتظاری گنجی بزرگ در مناسبات فردی و اجتماعی محسوب می‌شود، اعتقاد به قضیه مهدویت و موضوع ظهور و فرَج و انتظار، گنجینه عظیمی است که ملت‌ها می‌توانند از آن بهره‌های فراوانی ببرند؛ عقیده به

امام زمان (عج الله تعالی)، هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، تأثیر عظیمی دارد و باید آن را قدر دانست. آیت الله خامنه‌ای در دیدار با فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت در رابطه با انتظار می‌فرماید:

« مسئله‌ی انتظار هم که جزء لاینفک مسئله‌ی مهدویت است، از آن کلیدواژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است؛ انتظار یعنی ترقب، یعنی مترصد یک حقیقتی که قطعی است، بودن؛ این معنای انتظار است. انتظار یعنی این آینده حتمی و قطعی است؛ بخصوص انتظار یک موجود حیّ و حاضر این خیلی مسئله‌ی مهمی است. اینجور نیست که بگویند کسی متولد خواهد شد، کسی به وجود خواهد آمد؛ نه، کسی است که هست، وجود دارد، حضور دارد، در بین مردم است. در روایت دارد که مردم او را می‌بینند، همچنانی که او مردم را می‌بیند، منتها نمی‌شناسند. در بعضی از روایات تشبیه شده است به حضرت یوسف که برادران او را می‌دیدند، بین آن‌ها بود، در کنار آن‌ها بود، روی فرش آن‌ها راه میرفت، ولی نمی‌شناختند.» (علی، خامنه‌ای، ۱۳۹۲).

این انتظار را بشریت نیاز دارد، امت اسلامی به طریق اولی نیاز دارد. این انتظار، تکلیف بر دوش انسان می‌گذارد. وقتی انسان یقین دارد که یک چنین آینده‌ای هست؛ همچنانی که در آیات قرآن بیان شده است: « وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ و ما در زبور، پس از تورات، نوشته‌ایم که این زمین را بندگان صالح من به میراث خواهند برد.» (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵)

در برخی از سخنان مقام معظم رهبری به صراحت از جایگاه محوری و هدف غایی بودن مهدویت و انتظار موعود در الگوی پیشرفت خبر داد. برای نمونه ایشان در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی که در موضوع «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» بوده، بر عنصر معنویت که اتفاقاً یکی از اهداف اصلی حکومت مهدوی است تکیه کرده و فرمودند: عرصه‌ای که از همه عرصه‌ها مهم‌تر است پیشرفت در عرصه معنویت است. ما بایستی این الگو را جوری تنظیم کنیم که نتیجه آن این باشد که جامعه ایرانی ما به سمت معنویت بیش‌تر پیش برود. و باید این مطلب برای همه روشن شود که معنویت نه با علم، نه با سیاست، نه با آزادی، نه با عرصه‌های دیگر، هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه معنویت روح همه این‌هاست. دنیایی که در آن علم همراه باشد با معنویت، تمدن همراه باشد با معنویت، ثروت همراه باشد با معنویت، این دنیا دنیای انسانی خواهد بود. البته نمونه کامل این دنیا در دوران ظهور حضرت بقیت الله - ارواحنا فداء - اتفاق خواهد افتاد.

با توجه به این سخنان اندیشمند غربی ژاپنی الاصل به اهمیت و نقش پررنگ انتظار در زندگی انسانی پی می‌برد و می‌گوید:

«ولایت پذیری شیعه که بر اساس صلاحیت هم شکل می‌گیرد، او را تهدید ناپذیر کرده است.» در توضیح فنا ناپذیری شیعه می‌گوید: «شیعه با شهادت دو چندان می‌شود. شیعه عنصری است که هر چه او را از بین ببرند بیشتر می‌شود» و جنگ ایران و عراق را مثال می‌زند. در ادامه می‌گوید: «شما باید برای غرب هم امام زمان (انتظار) و کربلا (شهادت) و ولایت فقیه بتراشید.» (<http://www.shabestan.ir>)

برای این کار ایشان مکتب جدیدی به نام «اوانجلیس» عرضه کرد که قدمتش به ۱۹۸۹ بر می‌گردد یعنی شش ماه بعد از نظریه جدید آقای فوکومایا. آنها معتقدند عیسی ناصری خواهد آمد. هرچه دوباره طول و عرض و ارتفاع امام زمان هست به عیسی ناصری نسبت داده‌اند! گفته‌اند زمانی که دنیا پر از ظلم و جور شود عیسی ناصری خواهد آمد تا آن را پر از عدل و داد کند! در همین راستا شبکه‌ای درست کردند به نام T.B.N که کارش تحلیل محتوای وقایعی است که در جامعه رخ می‌دهد وقتی سونامی رخ داد پرفسور هالدینگ زی (شاگرد فوکایاما) بیش از بیست ساعت تفسیر کرد که این یکی از علائم ظهور عیسی مسیح است.

پس این فکر چهار پایه‌ی اساسی دارد: اسارت غیبت انتظار نجات، از انتظار و اعتقاد به این که نجات بخشی که اکنون غائب است خواهد آمد و عدالت را مستقر خواهد کرد و بشریت را نجات خواهد داد و حقیقت و عدل و برابری پیروز خواهد شد، به صورت منفیش دشمنان عدالت و عاملین فساد و تبهکاری و کسانی که هیچ مسوولیتی در زندگیشان نمی‌شناسند و هیچ حدی از شرارت و فسادشان را محدود نمی‌کنند استناد می‌کنند، به این معنا مردم را قانع و معتقد می‌کنند که نجات بشر و استقرار عدالت فقط و فقط موکول به ظهور نجات بخش خاص غیبی است نه هیچ کس و کسان دیگر و چنین استدلال می‌کنند که اگر ما عدالت را استقرار نمی‌دهیم و اگر قدرتی یا حکومتی ظلم و فساد می‌کند، جبری و طبیعی است غیر عادی نیست و چون طبیعی است باید پذیرفت که پذیرفتنی است و چون ناگذیر و حتمی است در برابرش مخالفت و مقاومت ممکن نیست و هر کوشش و فداکاری در راه عدالت و اصلاح عموم بیهوده است، پوچ است. (زرشناس، ۱۳۸۶، سایت اندیشه).

با این تفاسیر مشخص می‌شود که غیبت با این گونه توجیه از «انتظار منفی» بهترین وسیله است برای کسانی که جنایت و ظلم و ستم و فساد می‌کنند و دین و مذهب را آلت منافع

گروهی و مادی و سیاسی و معنوی خودشان کرده اند تا به نیابت امام از پیروان او کار بگیرند و بر گرده اندیشه و اقتصاد و زندگی و کوشش و فعالیت آنها سوار شوند. اما همین اصول با همین اعتقادات یعنی اعتقاد به انتظار، اعتقاد به دوره غیبت و اعتقاد به جبری و حتمی بودن نجات در آخرالزمان، یک رویه متضاد با این رویه دارد که بزرگترین قدرت نفی کننده این عوامل است و مردمی که مجهز به این ایدئولوژی اند نیرومند ترین سلاح را برای نابودی فساد و بزرگترین ضربه را برای کوبیدن ظلم و بزرگترین انرژی برای حرکت به طرف آینده دارا می باشند. (فراهانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸).

۵- شاخصه‌های جامعه منتظر از دیدگاه مقام معظم رهبری

از نظر مقام معظم رهبری اعتقاد به مهدویت و انتظار نه تنها در بین شیعیان و مسلمانان بلکه در بین پیروان تمام ادیان و مذاهب وجود دارد و این فراگیر بودن باعث می شود که همه انسانها به آینده درخشان و روشن برای تاریخ و بشریت معتقد باشند. براین اساس همه جوامع می‌توانند برای ظهور مهدی موعود (عج الله تعالی الشریف) خود را مهیا سازند و در واقع جامعه ای منتظر باشند. شاخصه‌های چنین جامعه ای را به سختی می‌توان برشمرد، اما برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

الف- استقرار عدالت فراگیر

بنابر احادیث و روایات، مشکل اصلی منجی موعود، مشکل خداباوری یا انکار خدا نیست، بلکه مشکل اصلی، آتش ظلم و بیدادی است که بشر را در کام خود فرو برده است. بنابراین، ایجاد عدالت سرلوحه برنامه‌های منجی عالم است، همان‌گونه که از اهداف اصلی همه پیامبران در آغاز رسالت بوده است. در عصر غیبت نیز جامعه‌ای که رو به کمال موعود گام برمی‌دارد، باید برقراری عدالت را در رأس برنامه‌های اصلاحی خود قرار دهد؛ زیرا تمامی ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به شدت متأثر از میزان تأمین عدالت در جامعه هستند. بشر در نظام عادل و دادگستر به درستی تربیت می‌شود، با آسایش و فراغت به تکلیف تن می‌دهد و به حقوق دیگران نیز احترام می‌گذارد.

بشر در سایه این مسئولیت‌پذیری و تعهد به جامعه، به سعادت دست می‌یابد. لذا، باید پایه‌های اصلی جامعه و ارکان مدیریت که در همه زوایای اجتماعی تأثیر مستقیم دارد و جهت حرکت جامعه را مشخص می‌کند، عادلانه باشد تا کل روابط اجتماعی در تمامی زمینه‌ها رنگ عدالت و دادگری به خود بگیرد.

برقراری عدل مستلزم آن است که گروهی از افراد، از سرمایه‌ها و درآمدهای بسیار اما ناحق خود چشم‌پوشی کنند و این عامل باعث می‌شود که آنان برای حفظ منافع نامشروع خود علیه عدالت‌خواهان برانگیخته شوند. همین امر، تلاش برای استقرار عدالت را در عصر غیبت بسیار مشکل می‌سازد و غیر از مصلحان و منتظران حقیقی، دیگران یارای آن را نخواهند داشت. اما در عوض نتایج و پیامدهای شکوهمند آن هم بسیار درخور توجه و ارزشمند است، به گونه‌ای که شوق رسیدن به این نتایج، تحمل تمامی مشکلات را آسان و ممکن می‌سازد.

مقام معظم رهبری نیز جامعه مهدوی را جامعه‌ای در ادامه تلاش‌ها و اهداف انبیاء بر می‌شمرد و می‌فرمایند: «جامعه «مهدوی»، (یعنی، آن دنیایی که امام زمان (عج) الله تعالی الشریف) می‌آید تا آن دنیا را بسازد)، همان جامعه‌ای است که همه پیامبران برای تأمین آن در عالم ظهور کردند. یعنی همه پیغمبران مقدمه بودند تا آن جامعه ایده آل انسانی که بالاخره به وسیله ولی عصر و مهدی موعود (عج) الله تعالی الشریف) در این عالم پدید خواهد آمد و پایه گذاری خواهد شد به وجود بیاید. مانند یک بنای مرتفعی که کسی می‌آید، زمین آن را تسطیح می‌کند و خار و خاشاک را از آن می‌کند. کس دیگری پس از او می‌آید و زمین را برای پایه ریزی، می‌کند و گود می‌کند. بنابراین ولی عصر (عج) الله تعالی الشریف) میراث بر همه پیامبران الهی است که می‌آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعه الهی بر می‌دارد. (محسنی، ۱۳۷۴، ص ۲۰).

در فرازی دیگر ایشان به بیان واضحتر جامعه مورد نظر انبیا که توسط حضرت مهدی (عج) تحقق می‌یابد می‌پردازند:

«آن جامعه‌ای که در دوران ظهور حضرت ولی عصر (عج) به وجود خواهد آمد؛ همان جامعه‌ای است که همه پیغمبران الهی برای تهیه مقدمات آن از جانب الهی مبعوث شدند؛ یعنی، ایجاد یک جامعه‌ای که بشریت در آن جامعه بتواند به رشد و کمال متناسب خود برسد.»

بنابراین وظیفه کلی ما در برابر مسأله جهانی شدن نیز روشن می‌شود. جهانی‌شدن در منظر اسلامی یعنی تحقق حکومت عدل جهانی که مقدمه آن نبرد نهایی حق و باطل است و برای این نبرد باید جبهه حق را تقویت کرد. (مطهری، بی تا، ص ۷۰).

ب- رفاه اقتصادی

امامان معصوم (علیهم السلام) در روایات فراوانی، دورنمایی روشن و امیدبخش از رفاه همگانی را در حکومت مهدوی ترسیم نموده‌اند. غنا و بی‌نیازی چنان در جامعه حاکم می‌گردد

که افراد برای پرداخت زکات اموال خود شهر به شهر می‌گردند، اما شخص مستحق و نیازمندی را پیدا نمی‌یابد. اهتمام روایات بر رفاه اقتصادی جامعه مهدوی، گویای اهمیت آن در پایه‌گذاری جامعه قرآنی است. جامعه‌ای که تعالیم روح‌بخش اسلام ناب را سرلوحه عمل کرد خود قرار دهد، جامعه فقیر و عقب‌مانده نخواهد بود.

در این جامعه، مسائل اولیه‌ای هم‌چون مسکن، اشتغال و ازدواج جوانان باید به آسانی حل و فصل شود و اهداف عالی‌های مانند پیش‌تازی در عرصه‌های علمی و صنعتی جهان مدنظر باشد. اجتماعی که می‌خواهد زمینه‌ساز جامعه تکامل یافته عصر ظهور باشد، باید در چنان سطحی از پیشرفت و ترقی قرار بگیرد که خود تولیدکننده و صادرکننده علم، تکنولوژی، فرهنگ و هنر باشد، نه آن‌که مصرف‌کننده و وابسته دیگران باشد. جامعه منتظر باید سرآمد جوامع باشد تا بتواند فرهنگ انتظار را جهانی کند و مقدمات ظهور را فراهم نماید. اما اگر در جامعه‌ای که فرهنگ انتظار پذیرفته شده، میزان رفاه و رشد اقتصادی به حدی تنزل یابد که نیازهای اولیه و پیش پا افتاده افراد جامعه برآورده نگردد و فقر و تنگ‌دستی در آن نمایان باشد، نه می‌توانند خود را زمینه‌ساز ظهور بدانند و نه آرمان ظهور منجی موعود را به جوامع دیگر گسترش دهند. مقام معظم رهبری بر این عقیده‌اند که رفاه گسترده و برخورداری از تمامی قابلیت‌ها و استعدادهای نهفته طبیعت از ویژگی‌های مهم حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) است:

«در آن جامعه همه نیروهای طبیعت و نیروهای انسانی استخراج می‌شود، رفاه گسترده فراگیر می‌شود و چیزی در بطن زمین نمی‌ماند که بشر از آن استفاده نکند.» (موحدی، ۱۳۸۷).

ج- شکوفایی خرد و دانش بشری

علم و دانش بشر در عصر ظهور، به تکامل نهایی می‌رسد و انسان هر روز به شناخت‌های تازه‌ای دست می‌یابد و شیوه‌های بهتری را در پیش می‌گیرد. بدین‌سان هر روز و هر گام او در همه مسائل حیات، گامی به پیش است و ارتجاع و تکرار ندارد. پیشرفت بشر در آن زمان با هیچ دوره‌ای قیاس‌پذیر نیست و دانش انسان چه در زمینه علوم ماورای طبیعی و چه در زمینه علوم مادی تکامل می‌یابد و همه جهل‌ها و نقص‌های بشر نیز برطرف می‌گردد.

تکامل شناخت مبانی دین و آموزش احکام و معارف دینی از جمله دانش‌هایی است که به صورت الزامی در آن دوره صورت می‌گیرد، تا آن‌جا که زنان هم در آن دوران در شناخت مبانی دین به پایگاه بلندی می‌رسند و عالمان، فقیهان و دین‌شناسانی در طبقه زنان پدید می‌آیند.

امام باقر(ع) در این باره می‌فرمایند: در زمان حکومت مهدی(عج) به همه مردم حکمت و علم بیاموزند تا آن‌جا که زنان در خانه‌هایشان بر اساس قرآن و سنت پیامبر قضاوت می‌کنند. بنابر این رهنمود، شیفتگان آن حضرت که به او و سیره او تأسی می‌کنند، در عصر غیبت باید بکوشند تا تولید علم نمایند و بر گستره دانش بشری بیفزایند و در این زمینه گوی سبقت را برابیند و جامعه تشیع را سرآمد و پرچمدار علم و دانش جهانی نمایند. (از دیدگاه مقام معظم رهبری این خصوصیت را می‌توان به بالا رفتن سطح اندیشه انسان تعبیر نمود که همه افراد جامعه در آن زمان می‌توانند استنباط داشته باشند و قواعد و اصول دینی و علمی را درک کنند. ایشان می‌فرمایند:

« خصوصیت جامعه ایده آلی که امام زمان (عج الله تعالی الشریف) آن را می‌سازد، بالا رفتن سطح اندیشه انسان است؛ هم اندیشه علمی انسان و هم اندیشه اسلامی انسان؛ یعنی، در دوران ولی عصر (عج) شما باید نشانی از جهل و بی‌سوادی و فقر فکری و فرهنگی در عالم پیدا نکنید. آن‌جا مردم می‌توانند دین را به درستی بشناسند.»

و این همچنانی که همه می‌دانید، یکی از هدف‌های بزرگ پیامبران بود که امیرالمؤمنین (علیه السلام) این را در خطبه نهج البلاغه شریف بیان کرده است: «و یشيروا لهم دفتن العقول؛ تا گنجینه‌های خرد را میان انسان‌ها برانگیزانند.» (نهج البلاغه، خطبه ۱.)

د- اجرای اصل مساوات

از ابعاد دیگر مساوات، برابری افراد در برخورداری از اموال عمومی یعنی بیت‌المال است. رعایت این اصل باعث خشکاندن ریشه فقر در اجتماع می‌گردد. همواره تمام انواع مساوات در اسلام مهم بوده است. حضرت علی(علیه السلام) در دوران کوتاه خلافت خویش برای احیای معیارهای دقیق الهی تلاش بسیاری کرد و از تجاوز و امتیازطلبی‌های ناحق، قاطعانه جلوگیری کرد. اما پس از دوران خلافت آن حضرت، رعایت این اصل رو به کاهش رفت. حکام به ظاهر مسلمان، محور کارها را بر امتیازدهی و اشراف‌پروری نهادند. بسیاری از عالمان نیز در برابر این انحرافات سکوت کردند و حتی در مواردی با تأویل و توجیه، کار آنان را اسلامی جلوه دادند. امام حسین(علیه السلام) در تعبیری این‌گونه می‌فرماید: «ضعیفان را تباه کردند و جانب قدرتمندان را گرفتند.» اما طبق بشارت راستین قرآن کریم و امامان معصوم (علیهم السلام)، اسلام دیگر بار به دوران عدل مهدوی قدم می‌گذارد و عدالت مهدوی به عدالت علوی پیوند خواهد خورد. واضح است که اجرای دقیق، قاطع و بدون استثنای اصل مساوات، جامعه را اصلاح می‌کند و

ریشه فقر، افراط و تفریط را می‌خشکاند و تعادل و توازن عادلانه و انسانی را برقرار می‌سازد. لذا بر جامعه منتظر نیز واجب است که با تمامی مظاهر برتری‌جویی و امتیازطلبی با قاطعیت مبارزه و برخورد نماید. حکومتی که بکوشد از هرگونه جانب‌داری و نژادگرایی به دور باشد و بر پایه عدل و مساوات با همگان رفتار نماید، می‌تواند همه انسان‌ها را به دور مرکز و محوری گردآورد. آن‌گاه چنین حکومت و جامعه‌ای می‌تواند خود را زمینه‌ساز ظهور مهدی موعود(عج الله تعالی الشریف) و استقرار حکومت جهانی او بنامد.

مقام معظم رهبری بر این باورند که در جامعه امروز هم باید مقدمات متناسب با هدف باشد یعنی اندیشه اسلامی گسترش یابد و همه قوانین جامعه بر مبنای اسلام تدوین و اجرا گردد. ایشان می‌فرمایند: «نزدیک شدن ما به امام زمان (عج الله تعالی الشریف) یک نزدیک شدن معنوی است؛ یعنی، شما در هر زمانی تا پنج‌سال دیگر، تا ده سال دیگر، تا صد سال دیگر که بتوانید کیفیت و کمیت جامعه اسلامی را افزایش بدهید، امام زمان (صلوات الله علیه) ظهور خواهد کرد. اگر بتوانید در درون خود، جامعه‌تان همان جامعه انقلابی با تقوا، با فضیلت، با اخلاق، دین‌داری، زهد، نزدیکی معنوی به خدا را در خود و دیگران تامین کنید؛ پایه و قاعده ظهور ولی عصر (صلوات الله و سلامه علیه) را مستحکم‌تر کردید و هرچه بتوانید از لحاظ کمیت و مقدار، تعداد مسلمانان مؤمن و مخلص را افزایش بدهید، باز به امام زمان و زمان ظهور ولی عصر (عج الله تعالی الشریف) نزدیک‌تر شدید. (خامنه‌ای، بی تا).

ه- گسترش ارزش‌های دینی

ارزشها غالباً به ایده‌هایی اطلاق می‌شوند که انسان‌ها درباره خوب و بد، مطلوب و نامطلوب دارند. در فرهنگ فلسفی چهار مفهوم برای ارزش ارائه شده است که عبارتند از:

- الف- ارزش به عنوان چیزی که فرد یا گروهی به آن علاقه دارند.
- ب- چیزی که کم و بیش در میان عده‌ای مورد توجه و احترام است.
- ج- وقتی که فرد یا گروهی در رسیدن به هدف خود، ارضا می‌شوند.
- د- از جنبه اقتصادی که ارزش کالا و عمل مطرح است (محسنی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۷).

بنابراین ارزشها، نظام‌هایی از نمادهایی هستند که در قالب ایده‌های انتزاعی اخلاقی مربوط به خوب و بد، مناسب و نامناسب، درست و نادرست سازماندهی شده‌اند. این نمادهای اساسی مشترک عبارتند از: زبان، تکنولوژی، عقیده، هنجار، ذخیره‌های علمی و... (سازگاری، ۱۳۷۷، ص ۱۲۱).

از نظر اسلامی، ارزش‌ها یک سلسله اصول کلی، ثابت و ند که تحت هیچ شرایطی تغییر نمی‌کنند، اما مصداق آنها تغییرپذیر است. از این منظر ملاک کلی ارزش اخلاقی، مصلحت عمومی فرد و جامعه و مصلحت واقعی انسان است. یعنی هر چیزی که موجب کمال واقعی انسان است، نه چیزی که دلخواه افراد و مورد خوشایند آنها است. البته اگر ملاک اصلی ارزش در اسلام، کمال نهایی است، مصداق آن قرب الهی است. در نظام اسلامی، ارزش‌ها نه کاملاً مطلق و ثابت اند که در هیچ شرایط زمانی و مکانی تغییر نکنند و نه اینکه همیشه تابع شرایط زمانی و مکانی باشد، بلکه اصول آن ثابت و مصداقها متغیرند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۰).

از آنجا که یکی از مشخصات دوران ظهور برپائی ارزشهای اسلامی با تمام توان می باشد، یکی از شاخصه های جامعه منتظر نیز برپائی این ارزشها می باشد.

مقام معظم رهبری نیز با تاکید بر همین معنا، عزت اولیا و ذلت دشمنان به همراه اقامه شدن حدود الهی و رعایت مرزها را از مشخصات جامعه مهدوی می دانند که باید در جامعه منتظر ظهور نیز متجلی گردد:

« ولی عصر (صلوات الله علیه) میراث بر همه پیامبران الهی است که می‌آید و گام آخر را در ایجاد آن جامعه الهی بر می‌دارد. مقداری درباره اوصاف آن جامعه من حرف بزنم. البته اگر شما در کتب اسلامی، در متون اصلی اسلامی دقت کنید، همه خصوصیات آن جامعه به دست می‌آید. همین دعای ندبه‌ای که در روزهای جمعه، ان شاء الله موفق باشید و بخوانید و می‌خوانید؛ خصوصیات آن جامعه ذکر شده است. آن جایی که می‌گوید: «این معز الاولیاء و مذل الاعداء»؛ مثلاً آن جامعه، جامعه‌ای است که اولیای خدا در آن عزیزاند و دشمنان خدا در آن ذلیل و خواراند؛ یعنی، ارزش‌ها و معیارها در آن جامعه، چنین است: «این المؤمل لاحیاء الکتاب و حدوده». آن جامعه، جامعه‌ای است که حدود الهی در آن اقامه می‌شود؛ یعنی، همه حد و مرزهایی که خدا معین کرده است و اسلام معین کرده است، در جامعه زمان امام زمان (عج)، آن حد و مرزها مراعات می‌شود.»

با توجه به اهمیت این مسأله دشمن سعی می‌کند ارزش‌های دینی را در مسلمانان تضعیف کند. همانطور که فوکویاما در سخنان خود بیان می‌کند که برای پیروزی بر یک ملت، باید میل و ذائقه آن ملت را تغییر داد و نظام ارزشی‌شان را نابود کرد. او می‌گوید که ابتدا به ولایت فقیه تعرض کنید، سپس شهادت‌طلبی ایرانیان را بدل به رفاه طلبی کنید و اگر این دو فرآیند تحقق یافت، خود به خود اندیشه‌های امام زمانی و عدالت‌طلبانه از جامعه ایران رخت می‌بندد. (

(www.parsine.com)

بنابراین نظریه «مهندسی معکوس» فوکویاما نشان می‌دهد که جنگ نرم غرب علیه ایران در وهله اول ارزش های اسلامی و شیعی را نشانه گرفته است و قدرت های بزرگ قصد دارند با بهره گیری از نظریه پردازان همفکر، به تضعیف باورهای اسلامی پرداخته و اندیشه های فرهنگی خود را در جهت ایجاد جهان تک فرهنگی اشاعه دهند. (پاک آیین، بی تا).

۶- نقد نظرات ویرانگر حقیقت انتظار

برداشت غلط از مفهوم حقیقی انتظار، اشتباهی است که منشأ این اشتباه و انحراف ریشه در عواملی نهفته دارد که این عوامل و راهکارهای دفع آن به این قرار است:

الف - کوته فکری و عدم بصیرت به دین

در واقع آنهایی که در دین و احکام به تعمق نپرداخته‌اند، ناآگاه از فلسفه وضع این قوانین و بی توجه به هدف والای شارع مقدس از اجرای این احکام، وظایف خود را در چند بعد جزئی از دین منحصر دانسته‌اند و معتقدند که وظیفه ما، فقط دعا کردن است. و اگر پا را فراتر نهند، فقط در حد امر به معروف و نهی از منکر جزئی است: امام خمینی (قدس سره) در یکی از سخنرانی‌هایشان این گونه مسلمانان را به انجام وظیفه‌شان آگاه می‌کنند:

«ارزش دارد که انسان در مقابل ظلم بایستد مشتتش را گره کند و توی دهنش بزند، و نگذارد که این قدر ظلم زیاد بشود، این ارزش دارد. ما تکلیف داریم آقا! این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان - سلام الله علیه - هستیم پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم «عَجَلُ عَلٰی فَرَجِهِ». عَجَل، با کار شما باید تعجیل بشود، شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او. و فراهم کردن اینکه مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید.» (خمینی، ج ۱۸، بی تا، ص ۲۶۹).

در واقع امام خمینی (قدس سره) با پیشنهاد این راه حل، سدی بزرگ در مقابل کج اندیشی‌ها ایجاد می‌کند که از انتشار این اندیشه غلط در بین مسلمانان جلوگیری کند.

ب - انحرافات اخلاقی

عامل دیگری که در تلقی نادرست مفهوم انتظار مطرح است، انحرافات اخلاقی است. به عنوان مثال افرادی هستند که معتقدند، حتی امر به معروف و نهی از منکر نباید کرد و امام خود در هنگام ظهور این امر را انجام می‌دهد. در قبال این افراد مقام معظم رهبری خطاب به مردم چنین می‌فرمایند:

«در گذشته سواستفاده‌هایی از مفهوم انتظار شده است، برداشت منفی همان چیزی است که استکبار و استعمار در طول سال‌های متمادی کوشیدند به مردم تزریق کنند، برداشت منفی

این است که به مردم بگویید به ما چه در مقابل ظلم بایستیم، ما منتظر خواهیم ماند تا امام زمان بیاید و مشکل را حل کند این برداشت یعنی سلب مسئولیت نسبت به همه شرارت‌ها.»
بنابراین باید در برابر فسادها و ناهنجاری‌ها ایستاد و سکوت را شکست. (هاشمی شهیدی، ۱۳۸۷، ص ۴۳).

ج- عدم فهم صحیح روایات

این افراد معتقدند که با فساد و تباهی، کاری نباید داشت و بایستی بی‌طرف بود و حتی دیگران را به گناه دعوت کرد. برای رفع این شبهه لازم به ذکر است که همگان ظالم یا فاسد شوند چرا که نگاهی گذرا به جهان نشان می‌دهد که عده‌ای از افراد ظالم‌اند و بسیاری هم مظلوم. علاوه بر آن هیچ منافاتی ندارد که در کنار این ظلم و جور، دوستان و چشم به راهان حضرت (علیه السلام) با زمینه‌سازی مثبت برای ظهور حضرت گام بردارند. بنابراین باز هم ظلم و جور به طور نسبی در جهان وجود دارد. (اردبیلی، ج ۱، بی‌تا، ص ۷۵).
همانطور که این طرز فکر را به طور غیر مستقیم در اندیشه فردی به نام فوکویاما شاهدیم. وی در بیانات پایان تاریخ خود ابراز می‌کند که:

«افول زندگی اجتماعی این اندیشه را القا می‌کند که در آینده ممکن است ما تبدیل به «آخرین انسان» بشویم که تنها به آسایش خود فکر می‌کند و از هر گونه میل برای اهداف متعالی محروم شده است. چرا که سخت در جستجوی رفاه شخصی هستند. اما خطر دیگری نیز وجود دارد. ممکن است تبدیل به «اولین انسان‌ها» «نیز بشویم، یعنی انسان‌هایی که درگیر جنگی خونین و بی حاصل، اما با سلاح‌های مدرن هستند. در واقع فقدان میدان عمل منظم و سازنده برای اهداف متعالی به سادگی می‌تواند به ظهور مجدد ولی دیر هنگام آن به صورت افراطی یا بیمارگونه منجر شود.»

و این سخن فوکویاما بیانگر تردید وی در مورد آینده دموکراسی نیز هست. بنابراین در تعریف ما در دولت مهدوی، زمینه‌های تعارض و اختلاف از بین رفته و امت واحده ایجاد خواهد شد. (جهاندیده، ۱۳۸۰).

نتیجه‌گیری

پایان تاریخ از چشم انداز تاریخی، سیاسی و فلسفی جای بسی تأمل و بررسی است. پایان تاریخ و فرضیه تناهی پیشرفت به سوء تفاهم‌هایی جدیدتر منجر شده است. فوکویاما در دکترین سیاسی خود تمام مشخصات مدرنی را که در واقع مایه زوال و افول تمدن غرب خواهد بود را بعنوان ابزار دوام و استمرار بقاء سرمایه داری برمی شمارد. او می‌کوشد با بکارگیری زور این پایان را به تعویق اندازد و با ترسیم چهره‌ای دیگر از این پایان به جای نگرانی، امید و تحرک ایجاد کند حال آنکه انتظار فرج به عنوان یکی از آموزه‌های دینی نقش مهمی در کنترل ناهنجاری‌های اجتماعی و اصلاح جامعه دارد و در واقع نوعی آمادگی برای پاک شدن، پاک زیستن، پویش همیشگی همراه با خودسازی، ساختن دیگران و زمینه‌سازی برای حکومت صالح مهدوی است. انتظار فرج با نظارت اجتماعی، سبب همبستگی اجتماعی و شکل گرفتن جامعه اخلاقی می‌گردد از منظر رهبر معظم انقلاب، انتظار موعود از واژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است. به همین دلیل نه تنها موفقیت انقلاب اسلامی مدیون زنده شدن روح انتظار در ملت بود که این عنصر ظرفیت زیادی در تدوین و اجرای الگوی اسلامی پیشرفت خواهد داشت برای دستیابی به هدف ظهور منجی باید انسان‌های منتظر، زمینه‌های استقرار آن دولت کریمه را آماده سازند و جهت حرکتشان به سمت فرهنگ‌سازی و زمینه‌سازی این آرمان‌شهر موعود باشد.

فهرست منابع

* قرآن

* نهج البلاغه

الف - کتب فارسی

- ۱- آصفی، محمد مهدی، بی تا، انتظار پویا، ترجمه‌ی تقی متقی، چاپ پنجم، قم: نشر مهدویت.
- ۲- بالادستیان و دیگران، محمد امین، ۱۳۸۷، نگین آفرینش، چاپ سیزدهم، قم: نشر مهدویت.
- ۳- خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، صحیفه نور، تهران: نشر آثار امام خمینی.
- ۴- خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۲، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، چاپ اول، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۵- _____، ۱۳۷۵، یاد ایام (مجموعه بیانات)، تهران: انتشارات صادق.
- ۶- _____، ۱۳۹۱، انتظار فرج امام زمان، تهران: دفتر نشر آثار آیت الله خامنه‌ای.
- ۷- سازگارا، پروین، ۱۳۷۷، نگاهی به جامعه شناسی با تاکید بر فرهنگ، تهران: نشر کویر.
- ۸- شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۸۴، معرفت امام زمان ۴ و تکلیف منتظران، تهران: بی نا.
- ۹- صافی گلپایگانی، لطف الله، ۱۳۷۷، منتخب الاثر فی احوال الامام الثانی عشر، قم: حضرت معصومه (علیه السلام).
- ۱۰- طریحی، فخرالدین، ۱۴۲۸، مجمع البحرين، چاپ سوم، تهران: نشر مرتضوی.
- ۱۱- طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۸۶، الغیبه، چاپ اول، قم: دارالمعارف الاسلامیه.
- ۱۲- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، حکومت جهانی مهدی ۴، قم: نشر نسل جوان.
- ۱۳- میشل، فوکو، ۱۳۷۷، ایرانی ها چه رویایی در سر دارند؟، ترجمه‌ی حسین معصومی همدانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات هرمس.
- ۱۴- میشل، فوکو، ۱۳۸۰، ایران روح یک جهان بی روح، ترجمه‌ی نیکو سرخوش و افشین جهانزاده، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

- ۱۵- محمدی، منوچهر، ۱۳۸۰، انقلاب اسلامی؛ زمینه ها و پیامدها، تهران: نشر معارف.
- ۱۶- محسنی، منوچهر، ۱۳۷۴، جامعه شناسی عمومی، تهران، کتابخانه طهوری.
- ۱۷- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۶، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، تهران: موسسه امام خمینی.

۱۸- مجلسی، محمد باقر، بی تا، بحارالانوار، ترجمه ی علی دوانی، جلد ۱۳، چاپ هجدهم، تهران: دارالکتب الاسلامی.

۱۹- هاشمی شهیدی، اسدالله، ۱۳۸۷، ظهور حضرت مهدی (عج الله تعالی الشریف)، چاپ چهارم، قم: نشر مسجد مقدس جمکران.

ب- کتب عربی

۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ه.ق، مفردات الفاظ قرآن، چاپ اول، بیروت: دارالقلم الدارالشامیه.

۲- معلوف، لوئیس، ۱۳۸۶، المنجد، چاپ ششم، تهران: نشر ایران.

ج- مقاله ها:

- ۱- شرفی، محمدرضا، ۱۳۸۲، «مقدمه ای بر آثار تربیتی و روان شناختی انتظار»، ماهنامه انتظار موعود، شماره ۳۸.
- ۲- عمل نیک، مرتضی، ۱۳۸۵، چشم انداز هیئت فکری و طرح و برنامه دکترین مهدویت، تهران: همایش بین المللی دکترین مهدویت.
- د- سایت ها

- ۱- زرشناس، شهریار، ۱۳۸۶، بازخوانی کوتاه رویکرد فوکو نسبت به انقلاب اسلامی ایران، سایت باشگاه اندیشه.
- ۲- پایگاه اینترنتی مقام معظم رهبری

3- www.parsine.com.

ه- روزنامه ها

- ۱- فراهانی، عباس، روزنامه رسالت، ۱۳۸۵/۱۱/۱۸، شماره ۶۰۷۹، اندیشه سیاسی.
- ۲- روزنامه های کثیرالانتشار کشور.